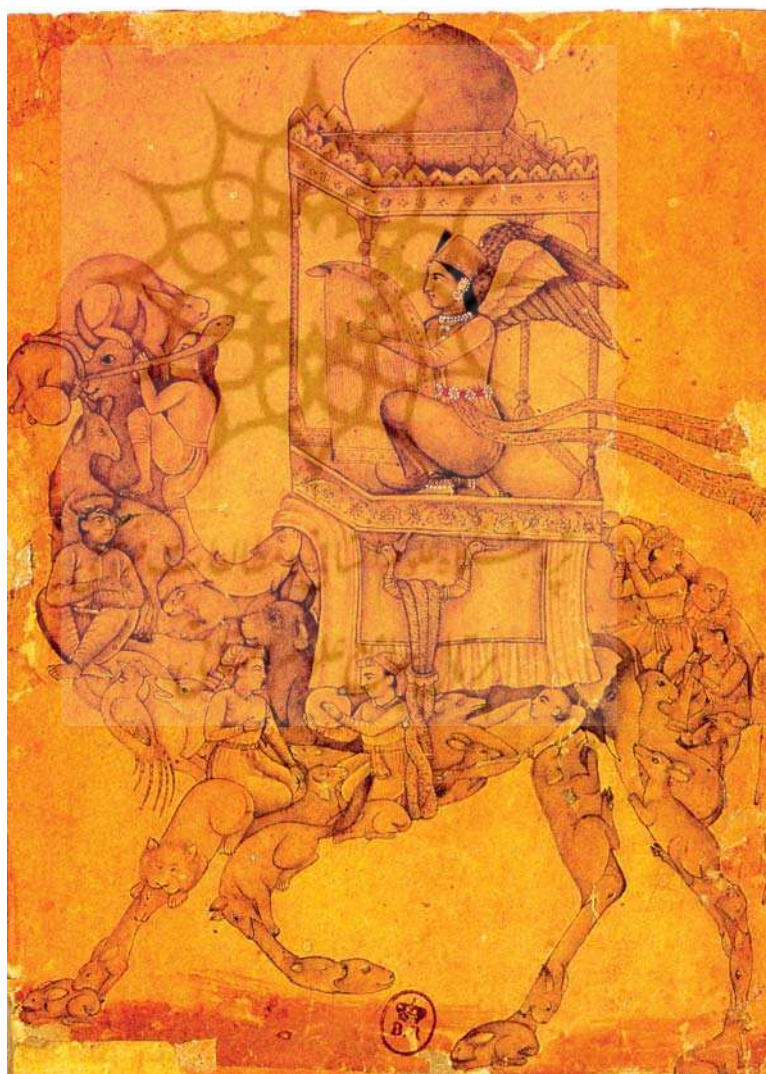


مطالعه تطبیقی نقوش «درون ترکیبی»
در نگارگری ایران و دوره سلاطین
مغولی هندو آثار آرکیم بولدو «نگاره
شتر و ساریان، پری چنگ نواز سوار
بر شتر و تابلو پرتله زمین»



پری سوار بر شتر درون ترکیبی،
سبک مغولی هند، قرن ۱۱ هجری/۱۷
میلادی، کتابخانه ملی پاریس،
مأخذ: Rogers, 1983: 66

مطالعه تطبیقی نقوش «درون ترکیبی» در نگارگری ایران و دوره سلاطین مغولی هند و آثار آرکیم بولدو «نگاره شتر و ساربان، پری چنگ نواز سوار بر شتر و تابلو پرتره زمین»

علیرضا طاهری * سیده معصومه شاه چراغ **

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۳/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۸/۱۲

چکیده

در اساطیر، افسانه‌ها، داستان‌ها، ادبیات و هنر تمدن‌های مختلف همیشه موجودات تخیلی دارای جذابیت و اهمیت بوده‌اند از جمله آن‌ها گونه‌ای است که به آن موجودات «درون ترکیبی» گفته می‌شود که بدن این مخلوقات در درون، از کنار هم نهادن و در هم تنیدن جانداران گوناگون و گاهی اشیاء و طبیعت شکل گرفته است و در نهایت چهره یا پیکره کلی واحد از یک حیوان و یا انسان ایجاد می‌شود این شیوه نقش پردازی در نگارگری ایران و هند مغول و از سوی دیگر در پرتره‌های آرکیم بولدو به کار می‌رفته است. هدف از این پژوهش شناسایی اشتراکات تصویری بین این سه اثر است که آن‌ها را از لحاظ ساختاری بسیار به هم نزدیک می‌کند. در این راستا این پرسش‌ها مطرح می‌شود: چه شباهت‌هایی بین اثر آرکیم بولدو با دو نگاره ایرانی و مغولی وجود دارد؟ و بیشترین موجودات تشکیل دهنده در سه نگاره انتخابی چه موجودات و از چه گونه‌ای هستند؟

بین این نقوش در نگارگری ایران و هند با نقاشی‌های آرکیم بولدو به لحاظ شیوه چینش، ترکیب بندی و استفاده از موجودات جان دار و بی جان، شباهت‌هایی وجود دارد و نوع ترکیبات نیز قابل ملاحظه است. در هر سه این موارد با یک شکل کلی از تنه یا سر یک موجود زنده به صورت نیم‌رخ از انسان یا حیوان مواجه‌ایم که درون این شکل کلی، از دیگر پیکره‌های انسانی و حیوانی پر شده است. همچنین در سه نگاره انتخابی، حیوانات بیشترین عنصر سازنده پیکره‌ها هستند و در میان آن‌ها استفاده از گونه پستانداران بیشترین کاربرد را در تصویرپردازی شتر و پرتره زمین دارد. این پژوهش توصیفی با رویکرد تطبیقی است.

واژگان کلیدی

نگارگری ایران، نگارگری مغولی هند، آرکیم بولدو، موجودات تخیلی، درون ترکیبی.

* دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده هنر و معماری، شهر زاهدان، استان سیستان و بلوچستان
Email: taheri121@yahoo.com

** مدرس دانشکده هنر دانشگاه دامغان، شهر دامغان، استان سمنان (مسئول مکاتبات)

Email: m_shahcheragh_89@yahoo.com

مطالعه تطبیقی نقوش «درون ترکیبی» در نگارگری ایران و دوره سلاطین مغولی هندو آثار آرکیم بولدو «نگاره شتر و ساریبان، پری چنگ نواز سوار بر شتر و تابلو پرتره زمین»

مقدمه

است. این جستار به اجمال سعی در شناسایی و معرفی این شیوه خاص در هنر نگارگری ایران، هند مغول و آثار آرکیم بولدو دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی با رویکرد تطبیقی است. در ابتدا به معرفی این گونه نقش‌پردازی در هنر نگارگری ایران و هند مغولی و نقاشی‌های آرکیم بولدو پرداخته می‌شود و سپس در قسمت تطبیقی سه اثر انتخابی مورد مقایسه قرار می‌گیرند. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است. همچنین در شناسایی جانوران سازنده پیکره‌های درون ترکیبی مصاحبه‌هایی با پژوهشگران علوم جانوری صورت گرفت.

پیشینه تحقیق

مطالعه در حوزه موجودات درون ترکیبی در ایران بسیار محدود است، و گاه در بعضی کتب فقط تصاویری از آن‌ها با اشاره‌ای کوتاه آمده است. در خصوص این تحقیق با عنوان مطالعه «پیکره‌های درون ترکیبی» و «پرتره‌های درون ترکیبی» و مقایسه آن با آثار آرکیم بولدو تا کنون پژوهشی توسط پژوهشگران ایرانی انجام نشده است. اما در ارتباط با آرکیم بولدو زندگی، دوران کاری و هنری و مطالعه و بررسی آثارش توسط پژوهشگران خارجی کتاب‌های بسیاری منتشر شده است و در میان منابعی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند کتاب آرکیم بولدو نوشته سیلویا فرینو از بقیه جامع‌تر است.

پیکره‌های درون ترکیبی در نگارگری ایران

این شیوه اغلب در رقع‌ها و بدون متن یا نوشته به تصویر درمی‌آید. در این نگاره‌ها پیکره اصلی معمولاً انسان، شتر، اسب و فیل بود که اجزای تشکیل‌دهنده آن را مجموعه‌ای از حیوانات، انسان‌ها، عناصر طبیعت، اشیاء و موجودات تخیلی تشکیل می‌داد. به عبارتی دارای آشفتگی منظم ساختار یافته بودند. در ایران بیشترین نگاره‌های درون ترکیبی یافت شده مربوط به دوره صفوی است که اغلب در شهرهایی چون تبریز، قزوین و خراسان به تصویر درمی‌آیند. از اولین نمونه‌های این شیوه نقش‌پردازی در ایران نگاره‌ای مربوط به قرن نهم هجری پانزدهم میلادی است که نیمرخ یک گاو نر درون ترکیبی را نشان می‌دهد و بر روی این گاو دختری نشسته است (Papadopoulo, 1994: 53). «اگرچه حیوانات ترکیبی در هنر ایرانی همواره وجود داشته‌اند، این مورد در اواخر قرن شانزدهم بار دیگر احیا شده است. البته بدون شباهت با هارپی‌ها و اسفنکس‌های قرون میانه در ایران، آدرون ترکیبی‌های دوران صفویه از انسان‌های واقعی و حیواناتی جالب مثل اسب و شتر هستند (و دیوهایی که

از شخصیت‌های تأثیرگذار که در فرهنگ اساطیری آفریده شده‌اند موجودات افسانه‌ای و تخیلی هستند که اغلب از ترکیب دو یا چند موجود دیگر پدید آمده‌اند. این آفریده ترکیبی در فرهنگ اساطیری و هنری اقوام مختلف جهان چون تمدن‌های کهن بین‌النهرین، ایران، مصر، هند، یونان، و غیره به اشکال مختلفی مانند: «حیوان-انسان»، «انسان-حیوان» و «حیوان-حیوان‌ها» در قالب‌هایی چون گریفون، گاو بالدار، اسفنکس، گانشا و کنتاور به تصویر درآمده‌اند، اما استفاده از این اصطلاح برای مخلوقات مورد بررسی در این پژوهش مناسب به نظر نمی‌رسد، چون مفهوم اصلی و شیوه آن را نمی‌رساند. «ترکیبی» برای موجوداتی کاربرد دارد که از امتزاج و ترکیب قسمت‌های مختلف جانداران گوناگون به وجود آمده‌اند، درحالی‌که گونه‌های مورد بحث به شیوه دیگری خلق شده‌اند که به کاربرد اصطلاح «درون ترکیبی» برای نامیدن آن‌ها مناسب‌تر است و علاوه بر آن شیوه ساخت و مفهوم آفرینش آن‌ها را نیز بیان می‌کند.

«درون ترکیبی‌ها»^۲ از دیگر نقوش انسانی، حیوانی، خیالی، اشیاء و عناصر طبیعت به صورت درهم‌تنیده و فشرده تشکیل شده‌اند و این ترکیب درون بدنی به‌نحوی است که همه آن‌ها در کنار هم، در نهایت، یک شکل واحد از انسان، حیوان یا موجودی تخیلی را می‌سازند. این شیوه نقش‌پردازی در قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی در هنر نگارگری ایران و هند مغولی بسیار رایج بوده است و همچنین همزمان در همین دوره در برخی از آثار نقاش ایتالیایی آرکیم بولدو^۳ دیده می‌شود.

مخلوقات «درون ترکیبی» به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: **پیکره‌های درون ترکیبی:** نگاره‌های درون ترکیبی ایرانی و مغولی هند به این گروه تعلق دارند.

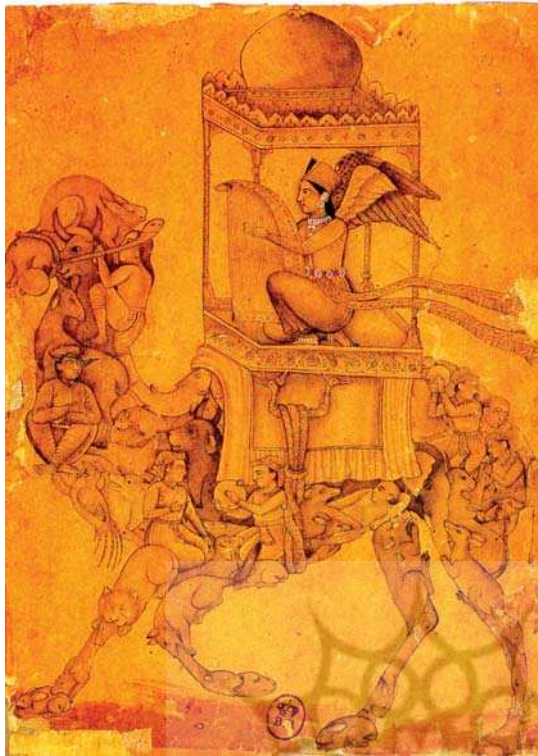
پرتره‌های درون ترکیبی: چهره‌هایی هستند که به این روش خلق شده‌اند، نقاشی‌های آرکیم بولدو جزو این دسته است.

در این پژوهش ضمن معرفی این شیوه در نگارگری ایران و هند مغول مقایسه‌ای نیز بین این آثار با تابلوی پرتره درون ترکیبی «زمین» اثر آرکیم بولدو صورت می‌گیرد و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که بین این سه اثر وجود دارد مشخص می‌شود. در این راستا دو پرسش مطرح است: چه شباهت‌هایی بین اثر آرکیم بولدو با دو نگاره ایرانی و مغولی وجود دارد؟ و بیشترین موجودات تشکیل‌دهنده در سه نگاره انتخابی چه موجودات و از چه گونه‌ای هستند؟ با وجود این که این شیوه نقش‌پردازی از خلاقیت و زیبایی منحصر به فردی برخوردار است و از ذهن خلاق و ذوق بی‌نظیر نگارگران ایرانی و هندی حکایت می‌کند تا حد زیادی به‌ویژه برای هنرمندان ایرانی ناشناخته مانده و تاکنون پژوهش منسجمی در این باره صورت نگرفته

1. Composite creature

2. Interior Hybrid

۳. آرکیم بولدو (Arcimboldo) نقاش ایتالیایی است که به سبب پیکره‌ها و چهره‌های نمادین، وهم‌آمیز و غریبی که از تلفیق گیاهان، جانوران، منظره‌ها، وسایل و ابزار و غیره نقاشی کرده است، شهرت دارد. گاه او را نیای سوررئالیست‌ها به‌شمار می‌آورند (پاکبان، ۱۳۹۰: ۱۲).



تصویر ۲. پری سوار بر شتر، سبک مغولی هند، قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی، کتابخانه ملی پاریس، مأخذ: Rogers, 1983:66



تصویر ۱. شتر درون ترکیبی، ایران، خراسان، قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی، موزه متروپولیتن، مأخذ: Ekhtiar, 2011: 215

شوند طراحی می‌شدند. هر میلی‌متر از نیم‌رخ این حیوانات توسط نگارگران ماهر با اشکال کوچک پر می‌شدند. اکثر این حیوانات آدرن ترکیبی را یک دیو همراهی می‌کرد که آن نیز ممکن بود از حیوانات دیگر تشکیل شده باشد. این همراهان کمتر انسان و پری بودند. یکی از دلایلی که باعث می‌شود این نقاشی‌ها کابوس‌های عجیب و غریب و همی تلقی شوند همان همراهی آن‌ها با دیوهای شیطانی بازیگوش بود همچنین به نظر می‌رسد که این طرح‌های مغولی در راجستان نیز اقتباس شد و در دوره‌های تاریخی بعدی توسط دولت «موار» کپی شده است»

(Raby, 1998: 132-133). «ایده ترکیب بدن حیوانات از تعداد فراوانی حیوانات کوچک‌تر و فیگورهای دیگر به‌طور ویژه یک ایده هندی است. می‌توان این طرز تفکر را در بسیاری از طراحی‌ها و نقاشی‌های دوره مغول نیز مشاهده نمود. کارهای دیگر از این نوع توسط کوهنل منتشر شده است. چنین موجودات آدرن ترکیبی را می‌توان در آثار سبک بخارا نیز یافت» (Grube, 1972: 278).

درباره معنا و محتوای این نگاره‌ها می‌توان گفت مفهوم واقعی این شیوه از خلق موجودات هنوز به‌طور دقیق مشخص نیست و نمی‌توان به‌طور قاطع نظری را ابراز

ترکیبی از اسب و شترند) که به‌طور خاص در خراسان (شمال شرق ایران) رواج داشته و شامل شهرهای مشهد و هرات می‌شده است» (Ekhtiar, 2011: 214). این موجودات خیالی همزمان با صفویه در آسیای میانه (بخارا) نیز خلق می‌شدند، از جمله آن‌ها می‌توان به دو نگاره‌ای که توسط محمد شریف مصور ۳ ایجاد شده اشاره کرد. «مینیاتور جوان در حال مطالعه کار مشترک محمد مراد و محمد شریف است» (اشرفی، ۱۳۸۶: ۲۲۳).

نقوش درون ترکیبی در نگارگری مغولی هند

نقوش درون ترکیبی در هندوستان به‌ویژه در مکتب مغولی هند بیشتر از ایران مورد توجه بودند به طوری که تا عصر حاضر در هنرهای مختلف آن سرزمین تداوم یافته‌اند. «این آثار در مناطقی مثل کشمیر، دهلی نو، لاکه‌نو در شمال، و دکن و تانجور در جنوب از حدود ۱۶۰۰ تا اوایل قرن ۱۹ میلادی تا زمانی که حامیان اروپایی به آن‌ها سفارش آن را می‌دادند تولید می‌شد. حیواناتی که در هند به عنوان شکل کلی این شیوه به کار برده می‌شدند عبارت بودند از گاو، سگ، قوچ، شتر، اسب و بز کوهی. اما فیل رایج‌ترین حیوان آدرن ترکیبی بود. این آثار بیشتر از این‌که با رنگ نقاشی



تصویر ۳. پرتره زمین، آرکیم بولدو، ۱۵۷۰ میلادی، وین، اتریش، مجموعه شخصی، مأخذ: Ferino-Pagden, 2007: 106

علمی از گونه‌های نادر طبیعی مثل حیوانات و گیاهان هستند و یا شاید فقط به عنوان طنز و سرگرمی به کار می‌رفته‌اند. این پرتره‌ها از لحاظ ساختار و عناصر تشکیل‌دهنده بسیار به پیکره‌های درون ترکیبی ایرانی و مغولی هند شبیه‌اند.

پری چنگ نواز سوار بر شتر

نگاره مغولی منتخب در این پژوهش تصویر شتری درون ترکیبی است که زنی بر روی آن سوار است شخصیت این زن به واسطه بال‌هایی که دارد به پری یا فرشته تغییر یافته است که داخل کجاوهای مجلل نشسته و در حال چنگ نوازی است. پیکر شتر نیز در عین حال که در خطوط محیطی و فرم کلی کاملاً طبیعی جلوه می‌کند به واسطه انبوه موجودات فشرده که سازنده پیکر او هستند به مخلوقی خیالی تبدیل شده است. «این شتر حامل کجاوهای است که روی آن یک فرشته نشسته که در حال چنگ نوازی است، سر و بدن شتر از حیوانات گوناگون و شخصیت‌های انسانی‌ای تشکیل شده که اکثرشان نوازنده‌اند و ظاهر بسیار آرامی دارند، پاها از حیواناتی تشکیل شده است که یکی از دهان دیگری به وجود می‌آید» (Rogers, 1983: 66). «ظاهر عجیب و غیرمعمولی شتر کارهای آرکیم بولدو را

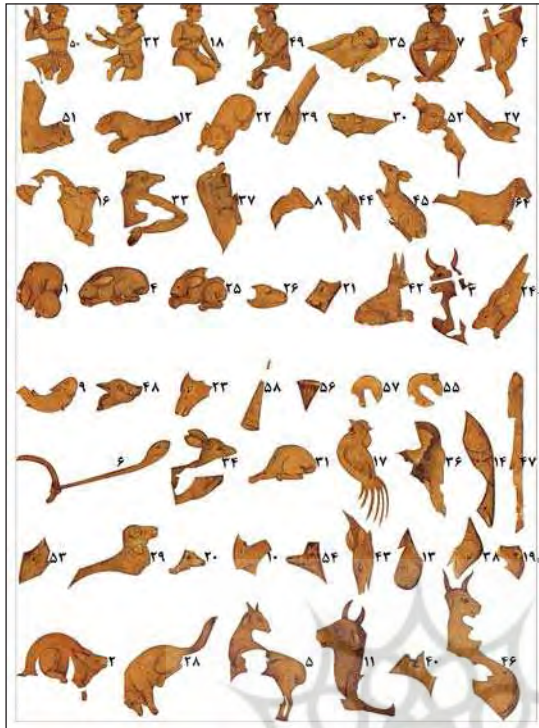
داشت آن‌ها به صورت معماگونه و رازآمیز باقی مانده‌اند. با وجود این، برخی از پژوهشگران نظریاتی را مطرح می‌کنند که اثبات آن‌ها مشکل است و فقط در حد فرضیه به آن‌ها می‌توان اعتنا کرد از جمله این‌که: «ادرون ترکیبی بودن حیوانات به تفکر عرفانی وحدت مخلوقات در درون خدا اشاره دارد، در حالی که خود حیوانات غرایز اصلی (مادی) را نشان می‌دهند که بایستی برای رسیدن به خلوص معنوی بر این غرایز اصلی غلبه نمود» (Ekhtiar, 2011: 214-215)

آرکیم بولدو ۱

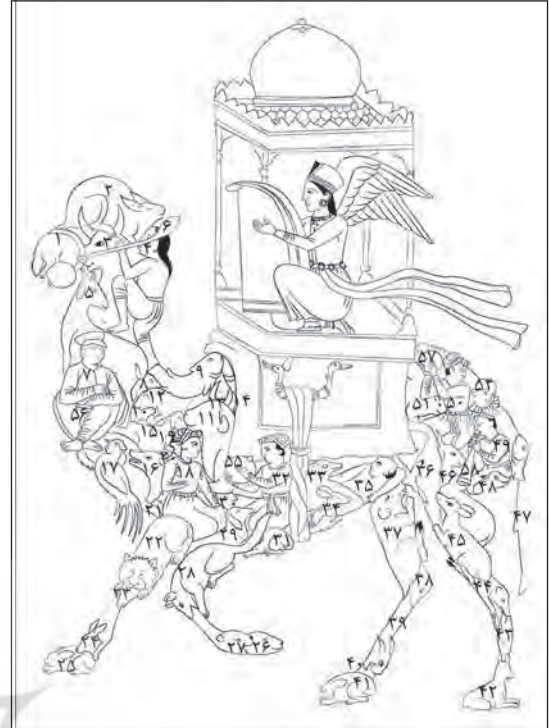
آرکیم بولدو نقاش صاحب سبک ایتالیایی (۱۵۲۷-۹۳) در خانواده‌ای نقاش در میلان به دنیا آمد، «یکی از خلاق‌ترین و عجیب و غریب‌ترین هنرمندان، که در طول رنسانس پیشرفته ظهور کرد. این هنرمند ایتالیایی نقاشی‌های فوق‌العاده‌ای با استفاده از سبزیجات، میوه‌ها، گل‌ها، ریشه‌های گیاهان، حیوانات وحشی و دیگر مخلوقات و موضوعات طبیعی به تصویر می‌کشید. او به عنوان یک هنرمند معمولی روی طرح‌های مذهبی شروع به کار نمود» (Forty, 2011: 5). بعدها با مرور زمان و پیشرفت کارش به نقاش سلطنتی دربار امپراتوران هابسبورگ منسوب شد. «هر هنرمندی تحت تأثیر فرهنگ محیطی که در آن زندگی می‌کند است و چون آرکیم بولدو در طول دوره تغییر از رنسانس به منریسم به دنیا آمد. ما رگه‌ای از هر دو را در هنر او می‌توانیم مشاهده کنیم. تصاویر اولیه او در سبک سنتی رنسانس تصویر شد اما در پراگ او یک مسیر کاملاً جدید را در پیش گرفت و تصمیم به خلق سبکی مختص به خود گرفت که هنوز هم معروفیت خود را دارد» (Kriegeskorte, 2004: 54) و آن ایده پرتره‌های درون ترکیبی است. «او موضوعاتش را به گونه‌ای کنایه‌آمیز به کار می‌برد که برایش ارزش بسیاری قائل می‌شدند» (Farthing, 2006: 186).

آرکیم بولدو بیشتر به خاطر سبک خاصش در ایجاد «پرتره‌های درون ترکیبی» شهرت دارد. نقاشی‌های ویژه او پرتره‌هایی هستند از عناصر جدا، ولی مرتبط به هم، تابلوهای او پرتره و نیم‌تنه‌های فوق‌العاده‌ای هستند که با استفاده از سبزیجات، میوه‌ها، گل‌ها، گیاهان، حیوانات و دیگر اشیا و موجودات طبیعی به وجود می‌آیند. این اجزای تشکیل‌دهنده در کنار هم چهره‌های زیبایی از مردان و زنان ایجاد می‌کنند که پر از معانی مجازی و تمثیلی هستند. «او اغلب تصاویر مجموعه فوق‌العاده‌اش را به صورت چهارتایی می‌کشید مانند عناصر چهارگانه و فصل‌ها» (Forty, 2011: 24).

در تاریخ هنر در رابطه با اینکه این نقاشی‌ها چه معنایی را القا می‌کرده‌اند تا کنون پژوهشگران نظریات متفاوتی را مطرح کرده‌اند، مثلاً آن‌ها تمثیل‌های سیاسی مرتبط با امپراطوری هابسبورگ هستند و یا اینکه آن‌ها مطالعات



تصویر ۵. اجزای تشکیل‌دهنده پیکره شتر درون‌ترکیبی مغولی، مأخذ: همان.



تصویر ۶. آنالیز خطی شتر درون‌ترکیبی، از نگاره پری چنگ‌نواز سوار بر شتر تصویر ۲، مأخذ: نگارندگان.

و فشرده تشکیل شده است که در نهایت موجودی خیالی را به وجود آورده‌اند. در اواخر قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی حیوانات ترکیبی در هنر ایران بار دیگر احیا شدند، اما این بار در هیئتی جدید نه به شکل دیوها و موجودات اساطیری قبل چون، گاو بالدار هخامنشی، سیمرغ ساسانی. این مخلوقات جدید فیگورهای حیوانی، انسانی واقعی‌اند، اما به جهت اجزای سازنده‌شان به موجوداتی خیالی تبدیل شده‌اند.

«این نقاشی یک مهتر جوان را نشان می‌دهد که یک شتر آدرن‌اترکیبی از موجودات انسانی و خیالی را که با پارچه‌های مجلل تزئین شده راهنمایی می‌کند. ترکیبی از نوعی سبک با اشاره به یک معنای عرفانی، بر اساس سبکی به‌خصوص شامل صورت گرد، گردن بلند و بدن بلند و باریک، این نقاشی را می‌توان به دهه‌های ۱۵۷۰ و ۱۵۸۰ میلادی که در خراسان خلق شده نسبت داد» (Ekhtiar, 2011: 214).

پرتره زمین

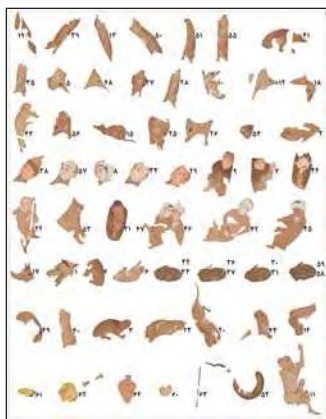
تابلوی پرتره زمین یکی از عناصر چهارگانه آرکیم بولدوست (زمین، آب، باد، آتش) که از تعداد زیادی حیوانات زمینی تشکیل شده است. این نقاشی نیم‌رخ یک مرد است که فرم کلی آن از قرار گرفتن فشرده حیوانات در کنار هم به‌وجود آمده است. همه این حیوانات از نوعی

به ذهن متبادر می‌کند. هنرمند با مهارت کامل شخصیت‌ها و حیوانات را که به‌صورت تنگاتنگی در هم تنیده‌اند به هم آمیخته، تا بدن حیوان را کامل ببوشاند و دنیای دیگری را خلق کند. اجزای بدن شتر موضوع موسیقی و جشن را تداعی می‌کند و پیکره بالدار که در کجاوه روی شتر نشسته است می‌تواند یک پری باشد که در حال چنگ‌نوازی است که بخشی از ستون کجاوه را پوشانده؛ بر روی کپل شتر، یک نوازنده در حال نواختن فلوت است در حالی که فرد دیگری در کنار او بر دایره زنگی‌ای می‌کوبد. خود شتر نیز حالت رقص را القا می‌کند. فضای کلی آرام است. حیوانات تصویر شده در پیکر کلی شتر، یک سگ بزرگ با چشمان آرام، یک قوچ، یک خرگوش، دورتر از حیواناتی وحشی و شکارگر قرار دارند، حتی آن‌ها که پاهای شتر را تشکیل می‌دهند و از دهان موجود قبلی بیرون آمده‌اند ترسناک به نظر نمی‌رسند برخی از جزئیات نیز جالب هستند، مثل افسار شتر که از یک مار کوچک با ظاهری سرزنده تشکیل شده است» (Bernus-Taylor, 2001: 82).

ساریان و شتر

این نگاره صحنه‌ای شاد و سرزنده است که یک شتر درون‌ترکیبی را نشان می‌دهد. این شتر در فرم کلی طبیعی به نظر می‌رسد اما در درون آن انبوه پیکره و چهره‌های کوچک‌تر انسانی، حیوانی و تخیلی به صورت درهم‌تنیده

مطالعه تطبیقی نقوش «درون ترکیبی» در نگارگری ایران و دوره سلاطین مغولی هند و آثار آرکیم بولدو «نگاره شتر و ساربان، پری چنگ نواز سوار بر شتر و تابلو پرتره زمین»



تصویر ۷. اجزای تشکیل دهنده پیکره شتر درون ترکیبی نگاره ایرانی ساربان و شتر، مأخذ: همان.



تصویر ۶. آنالیز خطی شتر درون ترکیبی، از نگاره ایرانی ساربان و شتر تصویر ۲، مأخذ: همان.

عناصر تشکیل دهنده است که در هر دو نگاره ایرانی و مغولی تعدادی انسان در میان انبوه حیوانات دیده می‌شوند، اما تابلو زمین فقط ترکیبی از حیوانات مختلف است و در میان اجزای تشکیل دهنده موجودات در درون این سر پیکره انسانی‌ای وجود ندارد. با وجود این، چون این اجزا نیمرخ انسان را در نهایت شکل می‌دهند، از این جهت وجود انسان قابل لمس است.

با بررسی جزء به جزء این عناصر در هر سه اثر، گونه‌ها و تعداد آن‌ها مشخص شده است که نمودارهای ۱، ۲ و ۳ میزان کاربرد هر یک از آن‌ها را به‌عنوان سازنده دو پیکره و پرتره درون ترکیبی مشخص می‌کند. در میان این عناصر علاوه بر حیوانات واقعی و انسان‌ها تعدادی موجودات خیالی شامل اژدها، دیو و شیرهای افسانه‌ای نیز وجود دارند که البته این مورد فقط مربوط به شتر ایرانی و مغولی است. همچنین تعدادی اشیا نیز در میان اجزای این سه نقاشی به چشم می‌خورد. در پیکره درون ترکیبی مغولی اشیا شامل تعدادی آلات موسیقی است که نوازندگان در حال نواختن آن‌ها هستند، اما در پیکره درون ترکیبی ایرانی اشیا بیشتر شامل ظروف است. در پرتره زمین اشیا شامل دو پوست شیر و گوسفند است که در قسمت شانه و سینه مرد قرار گرفته‌اند. آن‌ها نمادهایی از قدرت امپراطوری هاپسبورگ هستند. «با قرار گرفتن شیر در کنار گوسفند، به امپراطوری خیرخواه هاپسبورگ زیر نظر ماکسیمیلیان اشاره می‌کند» (Cariage, 1996: 29).

در نگاره پری چنگ نواز نقاش از طریق سایه‌پردازی مختصر، تا حدودی ژرفانمایی و عمق تصویری در عناصر تشکیل دهنده پیکره اصلی ایجاد کرده است که به‌ویژه در سایه‌پردازی چهره‌های انسانی به‌وضوح مشاهده می‌شود. این موضوع می‌تواند تأثیر روش‌های سه‌بعدنمایی غربی باشد که از طریق ارتباط با آثار اروپایی وارد نگارگری مغولی هند شده است. همین نکته یکی از وجوه اصلی تمایز در عناصر تشکیل دهنده موجودات در نگاره مغولی

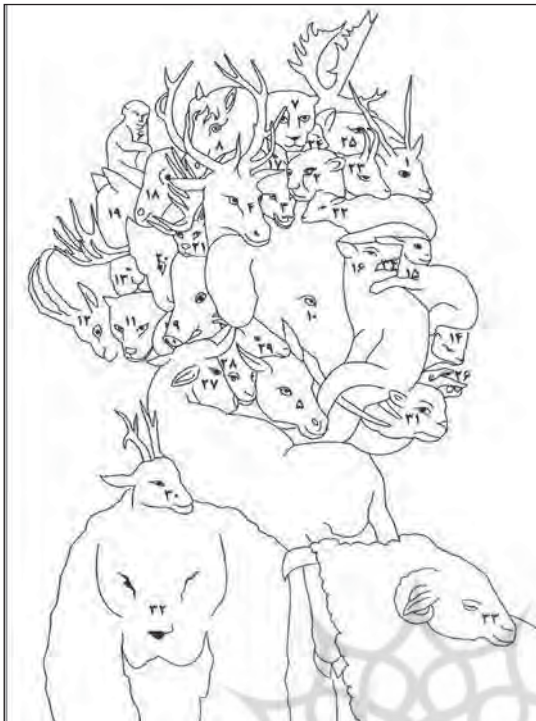
هستند که در خشکی و روی زمین وجود دارند. تا مدت‌ها مفهوم کنایی این تصویر ناشناخته باقی مانده بود. «شاید این اثر مشکل‌ترین تفسیر از سر، نسبت به دیگر آثار آرکیم بولدو باشد، در یک فضای نسبتاً جمع‌وجور هنرمند توانسته یک کشتی واقعی نوح، از حیوانات فشرده را ایجاد کند». (Cariage, 1996: 29) «بننو گیگر گمان می‌کرد که این نقاشی یک شکارچی را به تصویر کشیده است. اما هم‌اکنون مشخص شده که این نقاشی تمثیلی از زمین است». (Kriegeskorte, 2004: 20)

در سه نقاشی درون ترکیبی انتخابی، پری چنگ نواز سوار بر شتر در نگارگری مغولی هند (تصویر ۱)، شتر با ساربان در نگارگری ایران (تصویر ۲) و پرتره زمین آرکیم بولدو (تصویر ۳) نکته اصلی این است که در طراحی فرم کلی پیکره یا سر، از خط دورگیری به نحوی مجازی و دقیق استفاده شده است، به این معنی که خط کناره‌نما (محیطی) که همه اجزای تشکیل دهنده را محاط می‌کند. در هر نقاشی، شکل کلی نیمرخ (پیکر شتر و سر انسان) را به‌صورت طبیعی نشان می‌دهد (تصویر ۱۰).

ساختار و ویژگی‌های تصویری سه نقاشی درون ترکیبی

تعداد اجزای تشکیل دهنده پیکره‌های درون ترکیبی در نگاره ایرانی ۶۴، مغولی ۵۸ و پرتره زمین آرکیم بولدو ۳۴ عدد است. در هر سه اثر از میان دسته‌بندی اصلی جانوران شاخه مهرداران (ماهیان، دوزیستان، خزندگان، پرندگان، پستانداران) در علم زیست جانوری اکثریت با گونه پستانداران است. در شتر ایرانی طبق این دسته‌بندی فقط پستانداران و پرندگان وجود دارند ولی شتر مغولی از این حیث تنوع بیشتر داشته و شامل پستانداران، ماهیان، پرندگان و خزندگان نیز هست. پرتره زمین نیز به‌طور کامل شامل حیوانات زمینی با اکثریت پستانداران و تنها دارای یک گونه از خزندگان است.

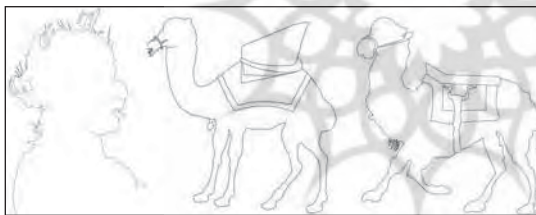
نکته دیگر در مورد این اجزا وجود پیکره انسان در میان



تصویر ۹. آنالیز خطی پرتره زمین آرکیم بولدو، مأخذ: همان.



تصویر ۱۰. اجزای تشکیل دهنده پرتره زمین آرکیم بولدو، مأخذ: همان.



تصویر ۱۱. خطوط کنار نما و محیطی شتر درون ترکیبی مغولی، ایرانی و پرتره زمین آرکیم بولدو، مأخذ: همان.

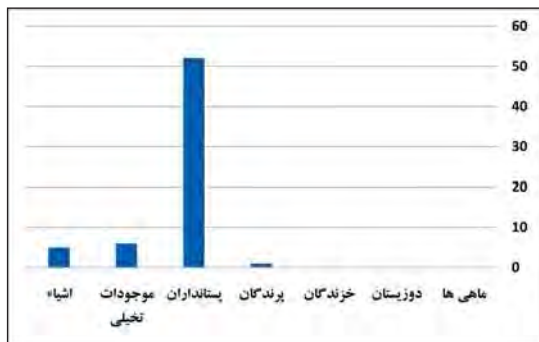
مختلف بدن حیوان و عناصر تشکیل دهنده آن کمرنگ تر و پرنگ تر می شود. غیر از این رنگ و درجه های مختلف آن گزینه های رنگی دیگر محدود است که شامل رنگ طلایی در چشم های برخی از موجودات، بال های شیر، صراحی و ساغر و برخی از تزیینات در بدن موجودات دیده می شود. نقاش از رنگ سفید نیز در عمامه مردان و روسری زنان، و برخی از قسمت های بدن موجودات خیالی و حیوانات استفاده کرده است. قرمز تیره نیز در بعضی قسمت ها دیده می شود. ویژگی رنگی شاخص در پرتره زمین آرکیم بولدو «تیره تاب»^۱ بودن آن است و با وجود اینکه در رنگ پردازی هر کدام از حیوانات سازنده سر مرد از رنگ واقعی آن ها - طبق آنچه که در طبیعت وجود دارد - استفاده شده است ولی در کل فضایی تاریک بر کل نقاشی حکم فرماست. این ویژگی با تیرگی پس زمینه تشدید شده است. یکی از نکات جالب توجه در این سه نقاشی شباهت یا عدم

با عناصر تشکیل دهنده در نگاره ایرانی است. در اثر ایرانی نقاش سنت دیرینه نگارگری ایران در استفاده از شکل های تخت را برای القای فضایی ملکوتی فراموش نکرده است. نگاره مغولی با روش آب مرکب به شیوه طراحی با حداقل عناصر رنگی ایجاد شده است. پیکره ها با سایه پردازی های خفیف و خطوط شکل ساز سیاه از هم متمایز شده اند. رنگ ها شامل (سفید و قرمز) هستند که فقط در پیکر پری و در تزیینات او دیده می شوند. مرکب پری رو به سمت چپ در حال گام برداشتن است. حس حرکت در زیر دست راست شتر و در مسیرش با لکه های تیره رنگ نیرو تشدید شده است.

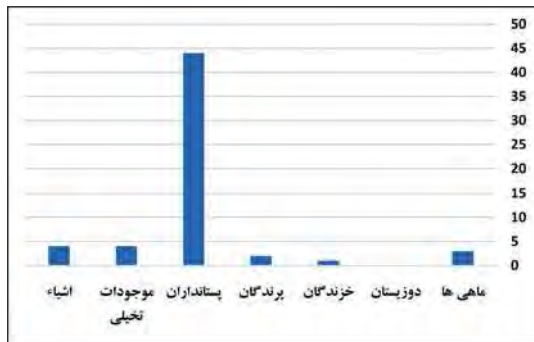
برعکس، شتر درون ترکیبی ایرانی حالتی ساکن و ایستا دارد و آرامش و سکون بیشتری در فضا حکم فرماست. این اثر فضای رنگی متنوع تری نسبت به دو نقاشی دیگر دارد. رنگ ها شامل سبز، قرمز، طلایی، آبی، سفید، قهوه ای، زرداگر، بنفش و... می شود، این تنوع رنگی فضای فرح بخشی را به نگاره بخشیده است، شادی ای که در نگاره مغولی با ساز و آواز نوازندگان و در نگاره ایرانی با رنگ های زنده و وسایل عیش و نوش القا می شود. این تنوع رنگی در نگاره ایرانی بیشتر مربوط به فضای پس زمینه آن است و ویژگی های رنگی پیکره اصلی در کمترین استفاده از عناصر رنگی با شتر مغولی مشابهنه دارد. در اینجا رنگ کلی و غالب قهوه ای است که به نوعی تجسم واقعی رنگ شتر در طبیعت است این رنگ در قسمت های

۱. تیره تاب: ارزش های رنگی و رنگسایه ای پایین. یک پرده نقاشی وقتی تیره تاب محسوب می شود که در آن رنگ هایی با درخشندگی کم (مثلاً قهوه ای، آبی تیره فام، ارغوانی) برتری یافته اند. به عنوان مثال، نقاشی های پیروان کاراوادجو بسیار تیره تاب هستند (پاکبان، ۱۳۹۰: ۱۷۶).

مطالعه تطبیقی نقوش «درون ترکیبی» در نگارگری ایران و دوره سلاطین مغولی هندو آثار آرکیم بولدو «نگاره شتر و ساریان، پری چنگ نواز سوار بر شتر و تابلو پرتره زمین»



نمودار ۲. میزان اجزای تشکیل دهنده پیکره شتر درون ترکیبی ایران، ماخذ: همان.



نمودار ۱. میزان اجزای تشکیل دهنده پیکره شتر درون ترکیبی مغول، ماخذ: نگارندگان.



نمودار ۳. میزان اجزای تشکیل دهنده پرتره زمین آرکیم بولدو، ماخذ: همان.

جزئیات بالایی از چیزهای واقعی تصویر شده‌اند» (Forty, 2011: 24).

شباهت حیوانات و انسان‌های سازنده این سه اثر به طبیعت است. در دو نگاره ایرانی و مغولی حیوانات و انسان‌های سازنده پیکر شتر کاملاً طبیعت‌گرایانه نیستند، اما این ویژگی در ارتباط با پرتره زمین کاملاً متفاوت است. آرکیم بولدو در تصویرپردازی حیوانات تشکیل دهنده سر کاملاً به شباهت آن‌ها طبق آنچه که در طبیعت وجود دارد وفادار بوده است. این وفاداری با سایه‌پردازی و تصویر کردن جزئیات دقیق پوشش پوست حیوانات به دست آمده است. تنها تفاوت در نسبت و اندازه واقعی حیوانات با هم است. نسبت آن‌ها به هم دارای تناسب غیر واقعی است. برای مثال شیر و گوسفند تقریباً به یک اندازه تصویر شده‌اند. «بخش مهم دیگری از کار آرکیم بولدو این است که میوه‌ها و سبزیجات و گل‌ها، حشره‌ها و پرندهگان همگی با

نتیجه

مخلوقات درون ترکیبی (Interior Hybrid) به موجوداتی گفته می‌شود که از دیگر نقوش انسانی، حیوانی، خیالی، اشیاء و عناصر طبیعت به صورت درهم تنیده و فشرده تشکیل شده‌اند و این ترکیب درون بدنی به گونه‌ای است که همه اجزای تشکیل دهنده در کنار هم در نهایت یک شکل واحد از انسان، حیوان و یا موجود تخیلی را می‌سازند این شیوه نقش پردازی در نگارگری دوره صفویه و مکتب نگارگری مغولی هند رایج بوده است علاوه بر این در همین زمان آرکیم بولدو نقاش دربار امپراطوری‌ها پاسبورگ نیز این شیوه را در ایجاد پرتره‌های درون ترکیبی به کار می‌برد.

بین نقوش درون ترکیبی در نگارگری ایران و هند با نقاشی‌های آرکیم بولدو به لحاظ شیوه چینش، ترکیب بندی و استفاده از موجودات جان دار و بی جان، شباهت‌هایی وجود دارد دو پیکره درون ترکیبی ایرانی و مغولی و همچنین تابلو زمین آرکیم بولدو شکل کلی آن‌ها از کنار هم قرار گرفتن عناصر فشرده مختلف در کنار هم ایجاد شده است که بعضی از این عناصر تشکیل دهنده بین آثار مشترک هستند مثل حیوانات که در هر سه اثر وجود دارند، و یا انسان و موجودات خیالی که در دو نگاره ایرانی و مغولی مشاهده می‌شوند همچنین وجود اشیاء نیز در اجزای تشکیل دهنده سه پیکره مشترک است. در



هر صورت اجزای کوچکتر مختلف در کنار هم سازنده یک شکل کلی هستند نحوه چینش و قرارگیری این اجزا به گونه‌ای است که مجموع آن‌ها در نهایت پیکر موجودی دیگر را به وجود می‌آورد. از لحاظ عناصر و اجزای تشکیل دهنده، نکته جالب توجه و مشترک بین سه اثر ارجح بودن حیوانات (به ویژه گونه پستانداران) است. همچنین در سه نقاشی درون‌ترکیبی انتخابی در طراحی فرم کلی پیکره یا سر، از خط دورگیری به نحوی مجازی و دقیق استفاده شده است، به این معنی که خط کناره نما - محیطی - که همه اجزای تشکیل دهنده را محاط می‌کند در هر نقاشی، شکل کلی نیم‌رخ (پیکر شتر و سر انسان) را به صورت طبیعی نشان می‌دهند در هر سه آن‌ها نیم‌رخ انسان و حیوان مورد نظر است که اجزا تشکیل دهنده در درون آن جای گرفته‌اند.

نقش پردازی موجودات درون‌ترکیبی در هنر نگارگری ایران، در ادامه تحولش تا به امروز پس از دوره صفویه به صورت کمرنگی در هنرهای ایرانی نمود یافت اما به عکس در هندوستان علاوه بر نگارگری در هنرهای مختلفی چون نگارگری، فرش، نقاشی دیواری، منبت، نقش برجسته و غیره، مورد استفاده هنرمندان آن سرزمین قرار گرفت.

پیروان شیوه آرکیم بولدو (آرکیم بولدوسک) در اروپا نیز سبک خیال‌انگیز این هنرمند را در حوزه‌های مختلف هنری به کار گرفته و آن را تداوم داده‌اند. مطالعه آثار متأثر از آرکیم بولدو در هنر معاصر، قطعاً ایده‌های خلاقانه‌ای را برای ایجاد آثار مشابه داده است.

منابع و مأخذ

ارشاد، فرهنگ. ۱۳۷۹. مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. اشرفی، م. ۱۳۸۶. بهزاد و شکل‌گیری مکتب نگارگری بخارا. ترجمه نسترن زندی. تهران: نشر فرهنگستان هنر. پاکباز، رویین. ۱۳۹۰. دایرةالمعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.

Bernus-Taylor Marthe. *Musée du Louvre*. 2001. L'Étrange et le Merveilleux en terre d'Islam du 27 Avril 2001 au 23 Juillet 2001. Réunion des musées nationaux.

Cariage Dianna. 1996. *The life and work of archim boldo*. Great Britain. Italy.

Ekhtiar, Mayam. P.soucek, Priscilla. R. Canby, Sheila and Najat Haidar Navina. (2011). *Masterpieces From The Department Of Islamic Art In The Metropolitan Museum Of Art*. Yale University Press. New Haven and London.

Farthing, Stephen. 2006. *1001 Pantings you must see before you die*. Cassell Illustrated.

Ferino-pagden, Sylvia. 2008. Arcimboldo. Skira Editor.

Forty, Sandra. 2011. Arcimboldo. Taj Books International LLP.

J. Grube, Ernst. 1972. *Islamic Paintings from the 11th to 18th century*. H. P. Kraus, New York.

Kriegeskorte, Werner. 2004. Arcimboldo. Taschen.

Papadopoulo, Alexander. 1994. *Islam and Muslim Art*. Harry N. Abrams Inc. New York.

Raby, Julian. 1998. *The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art*. Valume VIII. United Kingdom. Oxford University Press.

Rogers. J.M. 1983. *Islamic Art and Design*. British Museum Publication. London.

A Comparative study of Iranian “Interior Hybrid” paintings and the paintings of Mughal Sultans of India and Archimboldo’s “Camel and Cameleer, The Camel-riding harper fairy and The Earth’s Portrait”

Alireza Taheri, Associate Professor of the Art Faculty, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan City, Sistan & Baluchestan Province, Iran.

Seyyede Masoumeh Shahcheragh, invited instructor of the art Faculty, University of Damghan, Damghan City, Semnan Province, Iran.

Received: 2015/4/25

Accepted: 2015/10/20



Mythologies, legends, novels, and generally literature and art of various civilizations have always been the opportunity for fictitious creatures to be of great importance and attraction. A variant of such creatures are named “hybrid interiors” whose interior bodies are a combination and transfusion of different things ranging from objects to natural species, that eventually represent a single general figure of an animal or human. Hybrid interiors were generally used in Iranian and Mughal India’s paintings as well as Archimboldo’s portraits. This paper aims to find shared features between the three groups of the works mentioned, which structurally assimilates associated works of each group to those of other groups very closely. For that purpose, the following questions need to be addressed:

What similarities can be found between Archimboldo’s painting and the Iranian and Mughal works? What sort of creatures are dominant in all of the three works that are subject to this study?

Arrangement, composition, and sorts of creatures and objects included in pictures of the Iranian and Indian paintings as well as those of Archimboldo, share many similarities while combinations are also noteworthy. In all three cases, a general shape of head or body of a living creature as profile of human or animal is observed which is filled with more human or animal figures. What is more, all three paintings are mostly constituted of animal figures, among which mammals are the most frequent figures used to draw the whole body of the camel or the Earth’s portrait. The paper uses a descriptive comparative approach.

Keywords: Iranian Painting, Mughal India’s Painting, Archimboldo, Fictitious Creatures, Interior Hybrid.